

تحلیل ساختاری و معنایی نام آواهای زبان گیلکی در مقایسه با زبان فارسی

زهرا اعتباری^۱

چکیده

نام آواها نام‌هایی هستند که بر صدای حیوانات، پرندگان، انسان‌ها و طبیعت دلالت می‌کنند. گفته می‌شود که آواهای این واژه‌ها برابر با صدایی است که برای نام‌گذاری آن به کار رفته‌اند و در واقع ارتباط میان لفظ و معنا در این واژه‌ها طبیعی است. با این حال، میان نام آواهای زبان‌های مختلف تفاوت‌هایی دیده می‌شود که گاهی ناشی از تفاوت در نظام زبانی و گاه برگرفته از تفاوت‌های فرهنگی آن‌ها است. در این پژوهش به بررسی نام آواهای زبان گیلکی، گویش رشتی، پرداخته‌ایم؛ به طوری که ۱۳۸ نام آوا از دو کتاب واژه‌نامه زبان گیلکی و مصاحبه با دو گویشور، یک زن و یک مرد حدود ۶۰ ساله، استخراج شده است و دلالت معنایی آن‌ها همراه با معادل فارسی، به تفکیک در چهار جدول آورده شده است. پس از بررسی ساختاری، نام آواهای گیلکی در سه دسته اصلی ساده، دوگان‌سازی کامل، دوگان‌سازی ناقص و نیز دو دسته فرعی دوبار دوگان‌سازی کامل و دوگان‌سازی گسسته، دسته‌بندی شده‌اند. در نهایت، در مقایسه‌ای ساختاری و معنایی با فارسی، مشخص شده است که از منظر ساختاری، میان نام آواهای این دو زبان شباهت بسیاری وجود دارد اما از منظر معنایی و کاربردی تفاوت‌هایی دیده می‌شود که در بیشتر موارد، برگرفته از تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی دو زبان است.

کلمات کلیدی: نام آوا، دوگان‌سازی، گیلکی، گویش.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

۱. مقدمه

از دیرباز دیدگاه‌هایی درباره نحوه ارتباط لفظ و معنا وجود داشته است. گروهی معتقدند آواهای به کاررفته در نام‌گذاری‌ها دربرگیرنده معنایی هستند که مفهوم مورد نظر را باز می‌تابانند. دسته دیگر به چنین امری معتقد نبوده و نام‌گذاری‌ها را قراردادی می‌دانند؛ به این معنا که ارتباطی میان آواهای یک نام و مفهوم مورد نظر وجود نداشته و قرارداد شده است که یک واژه مشخص برای یک مفهوم مشخص به کار رود. در این میان آن دسته از واژه‌هایی که بر روی طبیعی‌بودنشان اتفاق نظر وجود دارد، نام‌آواها (onomatopoeia) هستند. این دسته از واژه‌ها صدایی از طبیعت را تقلید و بیان می‌کنند؛ مانند «شُرْشُر» برای صدای آبخار. در واقع در نام‌آوا گویی برای یک صدای خاص از طبیعت اسمی هم‌صدا با خودش گذاشته شده است. همچنین اگر در نظر بگیریم که واژه‌ها به لحاظ شفافیت معنایی بر روی یک طیف قرار دارند، باید بگوییم که گروه نام‌آواها به دلیل بهره‌مندی از بیشترین ارتباط میان لفظ و معنا و در واقع تصویری‌بودنشان، در یک سوی این طیف (بالاترین میزان شفافیت) قرار می‌گیرند.

در دستورهای سنتی زبان فارسی، از «نام‌آوا» بیشتر با عنوان «اسم صوت» یاد گردیده است و دستورنویسان بین آن با «صوت» فرق گذاشته‌اند: «اسم صوت، لفظی است مرکب که معمولاً از طبیعت گرفته شده و خود بیانگر صداهایی از قبیل صوت خاص انسان یا حیوان، صوت خواندن و راندن حیوانات و صوت به هم خوردن چیزی به چیزی می‌باشد» (انوری و گیوی، ۱۳۷۰: ۱۰۵)؛ درحالی‌که صوت که آن را «شبه‌جمله» نیز می‌گویند، لفظی است که در «تحسین، شادی، رنج، تبیه، بیم، امید و مانند آن‌ها» ادا می‌شود (مشکور، ۱۳۳۹: ۲۴۰). البته برخی نیز «اسم صوت» را گونه‌ای از «صوت» دانسته‌اند.

گروهی از زبان‌شناسان از جمله وحیدیان (۱۳۷۵) با گسترش تعریف نام‌آوا به «هر واژه‌ای که میان لفظ و معنای آن نوعی رابطه طبیعی باشد»، صوت‌ها (مانند «آه») و واژه‌های دارای نمادپردازی آوایی (مانند «خشن») که در آن [x] نماد سختی است) را نیز در دسته نام‌آواها جای داده‌اند. نمادپردازی آوایی (sound symbolism) می‌گوید که برخی آواها (اعم از همخوان یا واکه) همچون آوای [x] در مثالی که زده شد، نمادی از یک مفهوم هستند، معنایی را با خود به همراه دارند و به همین منظور در واژه‌سازی برخی مفاهیم از این آواها استفاده می‌شود. در این پژوهش به طور خاص به بررسی گروه نام‌آواها می‌پردازیم، هرچند مرز میان یک نام‌آوا و یک غیرنام‌آوا چندان دقیق و مشخص نیست؛ چنان‌که برخی نام‌آواها اسمی مختص عمل مربوط شده و دیگر در معنای نام‌آوایی خود به کار نمی‌روند؛ برای مثال، واژه‌هایی همچون «قاچ» که برای عمل بریدن میوه به کار می‌رود، در این پژوهش لحاظ نشده‌اند.

با وجود طبیعی بودن نام‌آوا، نام‌آواهای زبان‌های مختلف کاملاً با هم منطبق نیستند، اگرچه شباهت میان آن‌ها بسیار است. این تفاوت‌ها از طرفی برگرفته از تفاوت‌های ساختاری و نظام زبانی آن‌ها و از طرف دیگر برآمده از تنوع جغرافیایی و فرهنگی این زبان‌ها است. در این پژوهش، به بررسی نام‌آواهای زبان گیلکی در مقایسه با زبان فارسی پرداخته‌ایم. گیلکی، به عنوان زبانی از شاخه زبان‌های غربی شمالی در ایران، در منطقه گیلان تکلم می‌شود که با زبان‌های تالشی، تاتی و ترکی همسایه است. همچنین زبان گیلکی دارای تنوع گویشی و لهجه‌ای بسیاری است و به همین علت در این پژوهش به طور خاص، گویش رشتی مورد بررسی قرار گرفته است. تنوع بالای گویش‌ها در این خطه، نیازمند پژوهش‌های دیگر و همچنین بررسی‌های تطبیقی است. در این مقاله، پس از ارائه پیشینه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با نام‌آوا، ابتدا نام‌آواهای زبان گیلکی، گویش رشتی، به همراه معادل فارسی آن در جدول‌هایی ارائه شده است، سپس نظام ساختاری نام‌آواهای گیلکی دسته‌بندی و توصیف شده و سرانجام، مقایسه‌ای از دو منظر ساختار و معنا میان آن‌ها و نمونه‌های فارسی معادل، صورت گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

در دستورهای سنتی زبان فارسی، تلاش‌هایی جهت تعریف و ارائه ساختاری برای نام‌آواها صورت گرفته است. وحیدیان کامیار (۱۳۷۵) نام‌آواهای زبان فارسی را از فرهنگ‌ها، متون ادب فارسی و زبان محاوره گرد آورده و آن‌ها را با معنای مشخص‌شان فهرست کرده است. وی این نام‌آواها را در دو دسته ساده و تکراری جای داده است. فاضل (۱۳۹۲) در کتاب دستور زبان پارسی، ساختار نام‌آواهای فارسی را ساده (مانند شیبه) یا از راه «ترکیب پیوندی» (مانند جرینگ جرینگ) می‌داند (همان: ۶۱). نشاط (۱۳۵۶) ابتدا نام‌آواهای زبان فارسی را از نظر نقش دستوری، بررسی کرده است، سپس واژه‌هایی را که در آن‌ها ارتباطی طبیعی میان لفظ و معنا دیده می‌شود، جزو اسامی صوت دسته‌بندی کرده است و در پایان، فهرستی از نام‌آواهای معمول زبان فارسی را به شکل الفبایی ارائه داده است. نیکویخت (۱۳۸۳) ضمن مرور نظریه‌های منشأ زبان، انواع نام‌آواها را بر اساس منشأ تولیدشان دسته‌بندی کرده و ارتباط حروف را با معانی خاص مرتبط با آن‌ها با آوردن شواهدی برشمرده است. وی همچنین به بررسی سیما- معنایی پرداخته است که عبارت از ارتباط میان شکل ادای یک واژه و معنای آن است؛ مانند «بوسه» که ادای آن، شکل دهان را در این کنش نشان می‌دهد. از منظر نیکویخت نام‌آواها شواهدی قوی بر ذاتی بودن دلالت لفظ بر معنا هستند.

بررسی‌های دیگر در مورد نام‌آوا از نوع گویش‌محور و در برخی موارد تطبیقی است. امام‌زاده و مجدم (۱۳۸۳) به بررسی نام‌آواهای گویش شوشتری پرداخته و ضمن دسته‌بندی معنایی آن‌ها، نشان

داده‌اند که نام‌آواهای این گویش از نوع کلمات اتباعی هستند. ساسلی (۱۳۹۰) با بررسی گُردی سورانی و مقایسه آن با فارسی، اذعان داشته است که به دلیل همجواری این زبان‌ها، مشابهت‌هایی در نام‌آواها دیده می‌شود. وی به کاربرد نام‌آواها در نوشتارهای دو زبان نیز توجه داشته و به دنبال ارائه راهکارهایی برای حفظ نام‌آواها است. همچنین محمدی و نقشبندی (۱۳۹۴)، مقایسه‌ای میان نام‌آواهای گُردی و فارسی انجام داده و معتقدند ازدیاد نام‌آوا در گُردی در طبیعت‌نشینی سخن‌گویان آن ریشه دارد. داوری اردکانی و مغانی (۱۳۹۴) با دو رویکرد ساختاری و معنایی، به تحلیل نام‌آواهای گویش دشتستانی پرداخته‌اند و این نام‌آواها را از لحاظ نماد آوایی عناصر واژه‌ای و همخوانی پردازش نموده‌اند.

برخی پژوهشگران، ساختار نام‌آواها را مورد توجه قرار داده و پسوند‌های نام‌آواساز را معرفی کرده‌اند. پسوند /-ast/ به عنوان پسوند نام‌آواساز فارسی دری، در چندین پژوهش مورد توجه بوده است؛ از آن جمله می‌توان به مایل هروی (۱۳۷۴) و استاجی (۱۳۸۰) اشاره کرد که آن را پسوندی خراسانی نیز دانسته‌اند. همچنین، حاتمی (۱۳۸۰) آن را گونه‌ای از پسوند /-ešt/ در کازرونی می‌داند و وفایی، مستعلی پارسا و دادرس (۱۳۹۴) نیز اضافه کرده‌اند که پسوند /-ast/ ریشه در پسوند /-išt/ دارد که امروزه در گویش‌های نواحی جنوبی ایران (بخصوص سیستان) به صورت /-ešt/ به کار می‌رود. امانوا (۱۳۷۱) نیز نشان داده است که پسوند /-as/ در گویش تاجیکی، وظیفه نام‌آواسازی را بر عهده دارد؛ مانند «آگاس» (همان، به نقل از فاضل، ۱۳۹۲: ۶۱). نام‌آوای «کت‌کتاس» (قُدقُدا) در گیلکی نیز نمونه‌ای از این پسوند است. اضافه بر این پژوهش‌های بسیاری نام‌آواها را در متون ادبی و ترجمه‌های آن‌ها بررسی کرده‌اند که مرور آن‌ها از حوصله این پژوهش خارج است.

۳. روش تحقیق و داده‌های پژوهش

روش بررسی در این پژوهش، توصیفی است و داده‌ها از دو کتاب دستور زبان گیلکی (بخش‌زاد محمودی، ۱۳۹۰) و ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی (سرتیب‌پور، ۱۳۶۹) و همچنین مصاحبه با دو گویشور گیلکی، یک زن و یک مرد حدود ۶۰ ساله، جمع‌آوری شده است. به طور کلی ۱۳۸ نام‌آوای زبان گیلکی، گویش رشتی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از این میان، ۳۵ نام‌آوا مرتبط با صدای حیوانات و پرندگان، ۴+۴۶ نام‌آوا مربوط به صدای انسان و ۵۳ نام‌آوا مرتبط با صدای اشیا است. بر همین اساس، داده‌ها در جدول‌های جداگانه‌ای آورده شده است. معادل فارسی نام‌آواهای گیلکی برگرفته از کتاب وحیدیان کامیار (۱۳۷۵) و همچنین شم زبانی نگارنده است. قابل ذکر است که نگارنده نیز گویشور زبان گیلکی است.

در جدول‌های نام‌آواها، داده‌های برگرفته از کتاب بخش‌زاد محمودی (۱۳۹۰)، با علامت اختصار «ب»، داده‌های برگرفته از کتاب سرتیب‌پور (۱۳۶۹) با علامت اختصار «س» و داده‌های برگرفته از

مصاحبه با گویشوران، با علامت اختصار «گ» مشخص شده است. گاهی برای یک مفهوم مشخص، نام‌آواهای متفاوتی از این منابع استخراج شده که البته از شباهت آوایی بالایی برخوردارند.

۱-۳. جدول‌ها

جدول ۱- نام‌آواهای مرتبط با صدای حیوانات و پرندگان

شماره	نام‌آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۱	- بدبدو / بدبده (ب) - وود وود (گ)		- آواز وُشوم (بلدرچین) (ب) - آواز پرنده‌های کم‌پرواز (گ)
۲	بهره (ب)	بغ‌بغو	آواز کبوتر
۳	تپ تاپ (س)		به اشارهٔ تاخت و تاز
۴	جیرجیر (ب)		صدای نجواگونهٔ جوجه‌ها و مرغان به هنگام خواب
۵	- جیک جیک (ب) - جیزک جیزک (گ)	جیک جیک	صدای جوجه یا گنجشک
۶	جینجیره جیسک (گ)		آواز پرستو
۷	چاپ چاپ (ب)	چه چه	آواز بلبل
۸	چه چه (س)	چه چه	به نشانهٔ صوت مطبوع
۹	خُر خُر (ب)	خُر خُر	صدای تنفس انسان یا گربه هنگام خواب (خُر و پف)
۱۰	زوزی (ب)	زوزه	صدای شغال، زوزه
۱۱	عَر عَر (س)	عَر عَر	صوت نامطبوع، صدای الاغ

شماره	نام آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۱۲	غارغار (ب)	غار غار	آوای کلاغ
۱۳	-گن گن (ب) -گنک گنگ (گ)	کواک کواک	صدای اردک
۱۴	-ماغ ماغ (ب) -قاق قاق (گ)		صدای غاز
۱۵	فَرَنه (س) - فَره (گ)		- در اشاره به تنفس صدادار شبیه صدایی که از اسب در ابراز خوشحالی شنیده می‌شود، صدای آهسته گاو موقع تهدید رقیب (س) - صدای گربه موقع تهدید (گ)
۱۶	عُلُّ عُلُّ (گ)		صدای بوقلمون
۱۷	عُدُعُد (ب)	عُدُعُد (قد قد)	صدای مرغ و خروس زمانی که چیزی قابل خوردن به هم تعارف می‌کنند
۱۸	-کت کتاز (ب) -کت کتاس (س)	قُد قُدا	- فریاد خروس موقع اعلام خطر و هشدار، فریاد شادمانه مرغ بعد از تخم‌گذاری (ب) - اشاره به سر و صدای زیاد برای امری کوچک (س)
۱۹	کُخَبو (گ)	هوهو	صدای جغد
۲۰	کُرپه کُرپه (ب)		صدای مرغ کرچ
۲۱	کِرِت کِرِت (گ)	غار غار	صدای زاغ (نشان از آمدن مهمان)
۲۲	کُلک کُلک (گ)		صدای مرغی که روی تخم نشسته تا جوجه بیاورد.

شماره	نام‌آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۲۳	کوکو...تی تی (ب)		آواز فاخته (الاتی)
۲۴	کوکوری کوکو / قوقولی قوقو (ب)	قوقولی قوقو	آواز خروس در سحرگاهان یا نیمروز برای اعلام اقتدار در حوزه استحفاظی خود
۲۵	گُره (ب)		صدای موتور اتومبیل و امثال آن، صدای آهسته سگ و گرگ موقع تهدید و صدای موتور هواپیما
۲۷	گیره گیره (ب)		آواز مرغ قبل از تخم‌گذاری
۲۸	ماما (ب)		صدای گوساله و فریادش به دنبال مادر
۲۹	مَلّه (ب)		صدای خفیف گاو موقع ناله یا نوازش گوساله‌اش
۳۰	میو میو / ماوماو (ب)	میومیو	صدای گربه
۳۱	وانار (ب)	ما ما	آوای گاو
۳۲	- واوو (ب) - آوو (گ)	آوو	فریاد شغال، زوزه شغال
۳۳	وِز وِز (ب)	ویز ویز	صدایی که با پرواز مگس شنیده می‌شود
۳۴	وو وو (ب-گ)		- صدای پرواز خرمگس، صدای برخورد اجسام با هوا موقعی که با سرعت به دور خود بچرخد (ب) - صدای زنبور (گ)
۳۵	هاف هاف (گ)	هاف هاف / واق واق	صدای سگ

جدول ۲- نام آواهای مرتبط با خواندن یا راندن حیوانات و پرندگان توسط انسان

شماره	نام آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۱	اِهه اِهه / هِن هِن (گ)		برای راه رفتن گاو
۲	بیهیه (گ)		هنگام صدا زدن پرنده برای دانه‌دادن
۳	لالا (گ)		برای جادادن مرغ و اردک و غاز در لانه
۴	هولی هولی (گ)		راندن مرغ و اردک و غاز برای رفتن به باغ

جدول ۳- نام آواهای مرتبط با صدای انسان

شماره	نام آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۱	آیشکن (ب)	هایچی / ایچی	صدای عطسه
۲	اونگا اونگا (ب)	اوئه اوئه	صدای گریه نوزادان
۳	اوهو اوهو (ب)	ایهی ایهی	صدای گریه
۴	آهم / آهه آهم (ب)	اهه اهه / اهم	صدای سرفه
۵	بیریر (ب)	گز گز	برای خواب رفتن پا
۶	پئه (گ)	تته پته	صدای افراد با لکنت زبان (سرزبونی)
۷	پچ پچ (ب)	پچ پچ	صدای نجوای دو نفر یا بیشتر
۸	پنچ (ب)	پنچ	صدای اندک برای ترساندن کسی
۹	- تترام تتروم (ب) - تتراف توتوروف (گ)		صدای هیاهو و ضربات سنگین مشت و لگد موقع نزاع و کتک کاری با کسی

شماره	نام‌آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۱۰	تُّو (ب)		صدای سرفه نوزادان
۱۱	تُرَخ تُرُوخ (ب)	ترق تروق	صدای ضربه‌های پی در پی و سر و صدای زیاد، صدای گام‌های انسان موقع حرکت روی بام یا هر سقف چوبی
۱۲	جوگو جوگو (گ)		آوای تحریک کسی برای انجام کاری
۱۳	چاپلا / چاپله (ب)		صدای کف‌زدن ممتد و آهنگین
۱۴	چک چک (گ)	تیک تاک	صدای حرکت عقربه‌های ساعت
۱۵	چلاسک چولوسک (ب)	ماچ و موج	صدای بوسه‌های پیاپی
۱۶	چسک (س)	نُچ	نشانه جواب منفی و ناخوشایندی (نه)
۱۷	چوخا فوخا (گ)		آوای متلک‌گفتن
۱۸	خُرخر (ب)	خُر خُر	صدای تنفس انسان یا گربه هنگام خواب (خز و پف)
۱۹	خَرخر (ب)	خِر خِر	صدای تنفس بر اثر تنگی مجرای تنفس نزدیک به خفگی یا بریدگی گلو
۲۰	خُرْنه (س)	خُرناَس	خورخور (خُرخر)، صدایی که از بینی یا گلو در موقع خواب برآید.
۲۱	خِس خِس (ب)	خس خس	صدای تنفسی که بر اثر بیماری گرفته باشد.
۲۲	دسگلا (ب)		صدای زدن دو کف دست به هم در معنی چاپلا
۲۳	زِر زِر (س)	زر زر	زِر زِر در ابراز نارضایتی

شماره	نام آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۲۴	زرتنی (س)		اشاره تحقیرآمیز به حضور ناگهانی کسی
۲۵	ژگره (گ)	ضجه	فریاد سوزناک
۲۶	سیوی (ب)	سوت	صدای سوت
۲۷	شیب / شوب (ب)	سوت	صدای سوت
۲۸	عرعر (س)	زرزر	صوت نامطبوع
۲۹	غاز و غور (ب)	غاز و غور	صدای داخل شکم بر اثر گرسنگی
۳۰	غرغر (ب)	قرچ قروچ	صدای ساییدن دندان‌های دو فک به یکدیگر
۳۱	فس فس (س)	فس فس	به نشانه این پا و آن پا کردن
۳۲	فو (ب)	پف	صدای دمیدن هوا به طریق جمع کردن لب‌ها
۳۳	فینگی (گ)		صدای تودماغی
۳۴	غرغر (ب-س)	غرغر	- به نشانه نارضایتی (س) - صدای مایعات درون شکم، حرف‌های اعتراض‌آمیز (ب)
۳۵	- قریچ قروچ (ب) - قش قش (گ)	قرچ قروچ	- صدای خرد شدن غذا مثل ذرت تفتیده یا سبزی در لای دندان‌های دو فک (ب) - خرد شدن خیار در دهان (گ)
۳۶	قل قل (س)	قلقل	به نشانه جوشش و بی‌تابی
۳۷	کرکر (س)		به نشانه تحریک مداوم به صورت منفی و محرمانه

شماره	نام‌آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۳۸	کِرِکِر (س) - کِرِکِرِکِر (ب)	کِرِکِر / هِرِ هِر هِر	به نشانه خنده بلند که به منظور جلب نظر کس یا کسان شنیده می‌شود - صدای خنده پیاپی
۳۹	گُرَاگُر (س)		در اشاره به ورود و خروج متوالی گروهی پس از گروه دیگر
۴۰	گُرِش (گ)		صدای آروغ
۴۱	گولی (گ)	عُق	صدای عُق زدن
۴۲	واق و ووق (گ)	قیل و قال	صدای داد و فریاد
۴۳	وِرِ وِر (س)		در اشاره به تکرار غیرعلنی سخنی در تحریک
۴۴	وَنگ (گ)	وَنگ	گریه بچه
۴۵	هاف هاف (س-گ)		در اشاره به گزافه‌گویی یا تظاهر به شجاعت (س)
۴۶	هَندهو (س)		در اشاره به عمل آمیزش

جدول ۴- نام‌آواهای مرتبط با صدای اشیا

شماره	نام‌آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۱	اِشترِاخ (س)		سقوط و شکستن چیزی بزرگ

شماره	نام آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۲	باغباغو/باغوباغو (ب)	بوغ بوغ	صدای بوغ شیپوری دوچرخه
۳	بام (س)	بام / بامب	ضربت یا سقوط چیزی توخالی یا نیم‌پر
۴	بام بام (ب)	بام بوم	صدای بی دربی شلیک توپ
۵	بوم (س)	بوم	در ترکش، ترکیدن
۶	یبب ییب (ب)	یبب ییب	صدای بوق اتومبیل و غیره
۷	پَرتَه پَرتَه (ب)	پِت پِت	صدای شعله چراغ نفتی یا فانوس که بر اثر بدسوختن نزدیک به خاموشی باشد
۸	-پُلُغ پُلُغ (س) -پُلُغ پُلُغ (ب)	پُلُغ پُلُغ	- به نشانه جوشش (س) - صدای جوشش آب (ب)
۹	تاپ (س) / پاف (گ)		سقوط چیزی غیر فلزی
۱۰	-تالاپ تولوپ (ب) -سَلَخ شولوخ (گ)	- تق و توق - تالاپ تالاپ / شلپ شلوپ	- صدای چکش کاری (ب) - صدای برخورد پای انسان به گل و لای هنگام راه رفتن یا صدای راه رفتن انسان اگر کفشش پر از آب باشد (ب و گ)
۱۱	تَترَق (س) - تَترَاغ (ب)	بوم	- صدای سقوط و شکست (س) - صدای افتادن جسمی سنگین مثل درخت، صدای شلیک گلوله (ب)
۱۲	تَراخ تَروخ (ب)	تاراق توروق	صدای ضربه‌های بی‌دربی و سر و صدای زیاد، صدای گام‌های انسان موقع حرکت روی بام یا هر سقف چوبی

شماره	نام‌آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۱۳	تَراف تَراف (س)	تُپ تُپ / گروم گروم	اشاره به تپش قلب و نظیر آن
۱۴	تَرَق (س)	تق	صدای ضربت یا شکستگی
۱۵	تَغ تَغ / تَغ تَغ (ب)	تق و توق	صدای کوبیدن در یا ضربه‌های پیایی به چیزی
۱۶	تَغ و توغ (ب)		صدای شلیک چند تیر تکی (گلوله)
۱۷	تَق (س)	تق	به نشانه ترک برداشتن ظرف
۱۸	تَقّی (س)	تَقّی	به نشانه ترک برداشتن ناگهانی ظرف
۱۹	جِرِجِر (س)	جِرِجِر	به نشانه دریدن و پاره کردن، جنبش ساختمان‌های چوبی مثلاً در زلزله
۲۰	- جِرَت جِرَت / جِرَت و جورت (ب) - ژرت (گ)	جِرِجِر	صدای پاره شدن پارچه و شلوار
۲۱	جِرِه وِرِه (گ)	جِلز وِلز	صدای غذای روی آتش
۲۲	- جینگاجینگ (س) - جیرینگ جیرینگ (گ)	دیلینگ دیلینگ	صدای زنگوله و زنگ‌های کوچک
۲۳	جیرینگی (س)	جِرینگ	به نشانه فروریختن انبوهی مسکوک
۲۴	چِک (س)	تَرَق	صدای خفیف حاصل از ترکیدن ظرف یا شیشه
۲۵	چِک چِک (گ)	تیک تاک	صدای عقربه‌های ساعت

شماره	نام آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۲۶	چک چک (س-ب)	تیلیک تیلیک	- به نشانه بر آتش بودن چیزی مانند دانه اسپند و در اشاره به حسدورزی (س) - صدای جرّقه آتش زغال و دزت هنگام تفتیدن، صدای شکستن درخت یا سقف چوبی یا هر چیز دیگر؛ مثل صدای پوست خربزه موقع قاچ کردن (ب)
۲۷	خِش خِش (ب)	خِش خِش	صدای شکسته شدن برگ‌های خشک زیر پا به هنگام راه رفتن - صدای حرکت مار از روی برگ‌های خشک
۲۸	- دُر دُر (س) - دور دور دور (ب)	دودورو دودو	صدای شیپور (در مورد شایع کردن مطلبی از روی غرض)
۲۹	دَرپ (س)	شاپالاق	سقوط در آب
۳۰	دَرَق / شَرَق (س)		ضربت و شکستگی
۳۱	دَم دَم	تَق تَق	صدای شلیک گلوله تفنگ یا توپ
۳۲	دیددید / دیددید (ب)	دید دید (کودکان)	صدای بوق اتومبیل
۳۳	دیپلینگ دیپلینگ (ب)	دیپلینگ دیپلینگ	زنگ دوچرخه
۳۴	دیم دام (س)		سقوط از جایی بلند (در اشاره به مرگ هم گفته می‌شود)
۳۵	- دیمبله دیمبو (ب) - دامبله دامبوی (گ)	دامب و دومب / دامبول و دیمبول	صدای نقره یا تبتک

شماره	نام‌آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۳۶	زوزه (گ)	زوزه	باد شدید
۳۷	ژه ژه (ب)		صدای بریده شدن شالی هنگام درو با داس
۳۸	شاتالاپ (ب)	شاپالاق	صدای افتادن جسمی سنگین در آب یا نظایر آن
۳۹	- شَتَرَق (س) - شَتَرَاغ (ب) - شَتَرَاخ (گ)	شترق - شپلق	- شکستگی یا سقوط چیزی یا شیشه‌ای بزرگ (س) - صدای نواختن سیلی و شکسته شدن شیشه و صدای ضربه (ب)
۴۰	شُرُشُر (س-ب)	شُرُشُر	- صدای باران یا آبشار (س) - صدای ریزش آب و باران شدید (ب)
۴۱	شَرَف شَرَف (گ)	لِخ لِخ	صدای کشیده شدن کفش و دمپایی روی زمین
۴۲	غَرِغَر (ب)	قِرِچ قُرِچ	صدای ساییدن دندان‌های به یکدیگر
۴۳	عُلُغُل (ب)	عُلُغُل	صدای جوشش آب
۴۴	فَرَت (س)		برای لغزیدن یا در رفتن یا سقوط بی صدا و ناگهانی چیزی
۴۵	فَرَتی (س)	قُلُپ	صدای سقوط چیزی کوچک در آب یا باتلاق
۴۶	فِرِفِر (س)		در اشاره به امواج نسیم

شماره	نام آوای گیلکی	معادل فارسی	توضیح
۴۷	-فُلپیس (س) -فُلتیس (گ)		به نشانه سقوط و فرورفتن در آب
۴۸	-گُرپ / گُرپ (س) -گُرَف (گ)	بام	سقوط چیزی سنگین
۴۹	-گُرگُر (س) -گُرَاگُر (گ)		به نشانه شعله‌ور بودن
۵۰	گِرِگِر (ب)	غژ غژ / غیژ غیژ	صدای لولای در هنگام بازشدن و بستن اگر خشک باشد.
۵۱	گُرُوم گُرُوم (س)	گُرُوم گُرُوم	به نشانه حرکت پرسروصدا مانند صدای چرخ‌های ازابه
۵۲	گُرِه (ب)		صدای موتور اتومبیل و نظیر آن - صدای آهسته سگ و گرگ موقع تهدید و صدای موتور هواپیما
۵۳	لَرِه لَرِه (ب)		صدای حرکت مایعات داخل ظرف یا صدای مایعات درون خربزه موقع تکان دادن

۴. بحث و بررسی

با بررسی داده‌های جمع‌آوری شده، نام‌آواهای زبان گیلکی در سه دسته اصلی نام‌آواهای ساده (simple)، دوگان‌سازی کامل (full reduplication) و دوگان‌سازی ناقص (partialreduplication) و دو دسته فرعی دوگان‌سازی گسسته (discrete reduplication) و دوبار دوگان‌سازی کامل (rereduplication) جای می‌گیرند. فرعی‌نامیدن دسته دوم از این منظر است که این دو گروه، شامل موارد اندکی می‌شوند. در ادامه، ابتدا ساختمان هجایی و ساختاری نام‌آواهای گیلکی ارائه شده در جداول فوق، به تفصیل تحلیل و سپس با زبان فارسی مقایسه خواهد شد.

۱-۴. تحلیل ساختاری نام‌آواهای گیلکی

با بررسی نام‌آواهای گیلکی مشخص شد که ساخت آن‌ها یا به صورت ساده یا به صورت دوگان‌سازی شده است. نام‌آواهای ساده، شامل یک تا چهار هجا است و در هر سه نوع هجای تعریف‌شده در زبان فارسی مشاهده می‌شوند. نام‌آواهای دوگان‌سازی شده گاهی با تکرار کامل و گاه با تکرار ناقص پایه و اعمال تغییراتی در آن ساخته می‌شوند. همچنین دوبار دوگان‌سازی نیز در داده‌ها مشاهده شده است.

۱-۱-۴. نام‌آواهای ساده

نام‌آوای ساده به این معنا است که واژه تنها یک بخش دارد:

الف) یک‌هجایی

در نام‌آواهای ساده یک‌هجایی هر سه نوع هجا مشاهده شد؛ اما هجاهای CVC و CVCC بارزترند.

CV:

CVC: بام، بوم، پاف، پیخ، تاپ، تق، چک، شیب/شوب

CVCC: چسک، درپ، فرت، کُرپ/کُرپ/کُرپ، ونگ

ب) دوهجایی

در نام‌آواهای ساده دوهجایی، همه جایگشت‌های دو هجای CV و CVC دیده می‌شود، اما هجای نوع CVCC در این ساختار جایی ندارد.

CV-CV: پته، زوزه، زوزی، سیوی، گولی

CV-CV: بهره، چاپلا، خرنه، زرتی، فرتی، فزه، فرنه، فینگی، کُخبو، گره، مله

CV-CVC: اهم، وانار، ترق، دَرَق، شَرَق

CV-CVC: قُلپیس/قُلپیس، گُرش

پ) سه‌هجایی

CV-CV-CV: زگره

CV-CV-CV: دسکلا، هندهو

CV-CVC-CVC: اپیشکن

CV-CV-CVC: اشتراخ

CV-CV-CVC: شترق/شتراق/شتراخ، شاتالاپ

ت) چهارهجایی

CVC-CV-CV-CVCC: جینجیره جیسک

۴-۱-۲. دوگان‌سازی کامل

دوگان‌سازی، تکرار یک واژه برای ساختِ واژه‌ای جدید است. در این حالت، واژه اول «پایه» نامیده می‌شود. اگر پایه بدون هیچ تغییری تکرار شود، دوگان‌سازی کامل رخ داده است. نام‌آوهای زبان گیلکی تنها با پایه یک‌هجایی و دوهجایی، دوگان‌سازی کامل می‌شوند.

الف) با پایه یک‌هجایی

مشاهده می‌شود که شرکتِ هجای CVC در دوگان‌سازی کامل بسیار بالا است:

CV: لالا، ماما

CVC: بام بام، بیب بیب، بیریر، بیه بیه، پیچ پیچ، تتو، تق تق، جر جر، جیرجیر، جیک جیک، چاپ چاپ، چک چک، چه چه، خرخر، خس خس، خش خش، خرخر، دُرْدُر/دوردور، دم دم، دید دید، زرزر، ژه ژه، شرشر، عرعر، غارغار، غدغد، غرغر، غژ غژ، فرفر، فس فس، قاق قاق، قش قش، قل قل، کُرکُر، کِرکِر، کُرکُر، گن گن، ماغ ماغ، ور ور، وز وز، وو وو، هاف هاف، هن هن

CVCC: جرت جرت، جیزک جیزک، کرت کرت، کُلک کُلک، گَنگ گَنگ

ب) با پایه دوهجایی

مشاهده می‌شود که پایه‌های دوهجایی CV-CV، CVC-CV و CV-CVC را می‌توان قالب‌های این ساختار دانست. دو ساخت دیگر، هر کدام فقط شامل یک مورد می‌شوند.

CV-CV: اوهو اوهو، اِه اِه، باغو باغو، جوگو جوگو، ماو ماو/میو میو، هولی هولی

CVC-CV: اونگا اونگا، پرت پرت، کرپه کرپه، گره گره، لرت لرت

CV-CVC: پلخ پلخ/پلغ پلغ، تراف تراف، شرف شرف، گُروم گُروم

CVCC-CVCC: جیزک جیزک

CV-CVCC: جیرینگ جیرینگ

۳-۱-۴. دوگان‌سازی ناقص

اگر تغییری در دوگان‌سازی در پایه رخ دهد، حاصل دوگان‌سازی ناقص خواهد بود. در زبان گیلکی، تغییر در جزء تکرار شده را می‌توان در ۹ دسته جای داد:

الف) با تغییر واکه

در این مورد، واکه پایه تغییر می‌کند. پایه در این ساختار می‌تواند یک، دو یا سه هجا داشته باشد. این نوع دوگان‌سازی در مواردی که پایه یک‌هجایی است، گاهی با افزودن «واو عطف» در میان دو جزء همراه است. همچنین واکه تغییر یافته معمولاً از نوع [o] یا [u] است. موارد زیر به تفکیک نوع هجا آورده شده‌اند:

یک‌هجایی cv: آاو، تپ تاپ، تغ توغ، دیم دام، وا وو، واق و ووق

یک‌هجایی cvcc: جرت و جورت

دو‌هجایی cv-cvc: نالاپ تولوپ، تراخ تُروخ، چلاسک چُلوسک، شلخ شُلوخ، قرچ قُرُوج

سه‌هجایی cv-cv-cvc: تتراف تتروف، تترام تتروم، تترق تتروق

ب) با تغییر همخوان آغازی

جزه وزه، چوخافوخا

پ) با افزودن واکه پایانی

این واکه معمولاً [u] است: باغباغو، بدبدو / بدیده / ودودو

ت) با افزودن واکه میانی [a]

گُرَاگُر، جینگاجینگ

ث) با افزودن همخوان پایانی

اهه اهم

ج) با افزودن پسوند نام‌آواساز /-as/

کت کتاس / کت کتاز. چنانکه گفته شد، امانوا در مقاله‌ای /-as/ را به عنوان پسوندی نام‌آواساز در گویش تاجیکی معرفی کرده است (امانوا، ۱۳۷۱ به نقل از فاضل، ۱۳۹۲: ۶۱). با توجه به این که در زبان گیلکی نام‌آوایی که این پسوند را دارد فقط در یک مورد مشاهده شده است، می‌توان چنین برداشت کرد که شاید این نام‌آوا (کت کتاس) قرضی باشد.

چ) با تکرار پایه بدون همخوان پایانی

تغ تغ

ح) با تکرار بخشی از پایه و افزودن واکه پایانی [O]

دیمبله دیمبو / دامبله دامبو

خ) با تکرار بخشی از پایه

قوقولی قوقو / کوکوری کوکو

۴-۱-۴. دوگان‌سازی گسسته

با توجه به این که نگارنده در پژوهش‌های مرتبط با فرایند دوگان‌سازی، اصطلاحی برای این مورد نیافت، به ناچار ترکیب «دوگان‌سازی گسسته» را برای آن برگزید. در این نوع از دوگان‌سازی، نام‌آوا دو بخش دارد که هر کدام شامل دوگان‌سازی کامل است. می‌توان نام‌آوای «دودوچیچی» را به عنوان نمونه‌ای از دوگان‌سازی گسسته در زبان فارسی نام برد. در زبان گیلکی، دوگان‌سازی گسسته تنها در یک مورد «کوکوتیتی» دیده شده است.

۴-۱-۵. دوبار دوگان‌سازی کامل

دوبار دوگان‌سازی همان دوگان‌سازی مجدد است؛ به این معنا که پایه دو بار تکرار می‌شود و اگر هر دو بار تغییری در پایه رخ ندهد، دوبار دوگان‌سازی کامل است. این حالت در گیلکی در دو مورد مشاهده شد که پایه هر دو، ساخت هجایی CVC دارد: غُل غُل غُل، کِر کِر کِر.

چنانچه از این داده‌ها برمی‌آید، دو ساختار بیشترین حضور را در ساختمان این نام‌آواها دارند. یکی دوگان‌سازی کامل با تکرار هجای CVC (مانند چاپ چاپ) است و دیگری دوگان‌سازی ناقص با تکرار پایه و تغییر در واکه آن (مانند شَلَخ شُلُوخ) است که از یک تا سه هجایی دیده می‌شود.

۴-۲. مقایسه ساختاری و معنایی نام‌آوای گیلکی و فارسی

در این بخش مقایسه‌ای بین ساختار و معنای نام‌آوای گیلکی در مقایسه با معادل فارسی آن‌ها ارائه خواهد شد.

۴-۲-۱. تحلیل ساختاری

در ساختار نام‌آواهای گیلکی و فارسی در بیشتر موارد مشابهت وجود دارد. بر اساس پژوهش وحیدیان کامیار (۱۳۷۵) نام‌آواهای فارسی نیز ساده یا دوگان‌سازی شده (کامل و ناقص) هستند. البته وی ساخت هجایی نام‌آواهای فارسی را به تفکیک برنشمرده است. اگر بخواهیم میان پژوهش وحیدیان (همان) و این بررسی مقایسه‌ای انجام دهیم، می‌توان گفت که در هر دو زبان ساخت نام‌آواهای ساده از یک تا سه هجایی است؛ البته در گیلکی تنها یک مورد چهارهجایی (جینجیره جیسک) نیز مشاهده شده است. در هر دو زبان، دوگان‌سازی کامل بیشترین بسامد را دارد و همچنین میانوند به‌کاررفته در میان دو جزء دوگان‌سازی «و» و «ا» است؛ البته دو نمونه‌ای که وحیدیان برای میانوند «ا» می‌آورد، «ترنگ‌ترنگ» و «چک‌چاک» هستند (همان: ۴۴) که امروزه در فارسی کاربرد ندارند. همچنین در گیلکی میانوند «و» تنها زمانی استفاده می‌شود که پایه، یک هجایی باشد (زر و زر). برای دوگان‌سازی گسسته و همچنین دوبار دوگان‌سازی کامل می‌توان به ترتیب معادل‌های «دودوچیچی» (برای صدای قطار) و «هر هر هر» (معادل «کر کر کر» در گیلکی) را در فارسی معرفی کرد. البته مورد دوم (هر هر هر) را نگارنده با شمّ زبانی خود ارائه داده است.

به‌علاوه، اگر مقایسه‌ای بین ساخت هجایی نام‌آواهای این دو زبان انجام دهیم، باید گفت تعداد هجا برای نام‌آواهای یک صدای مشخص در دو زبان، معمولاً یکسان است. همچنین در استفاده از تکرار برای ساخت نام‌آوا در مورد صداهای تداومی، میان دو زبان مشابهتی وجود دارد که ناشی از طبیعی بودن این نوع واژه‌ها است؛ برای نمونه دو نام‌آوای معادل «تراف‌تراف» در گیلکی و «گروم‌گروم» در فارسی، با پایه دوهجایی ساخته شده و هر دو دوگان‌سازی شده‌اند. البته موارد نقضی هم وجود دارد؛ برای مثال نام‌آوای عطسه در زبان فارسی «هایچی/ایچی/هیچه/ایچه» است که دوهجایی است، اما در گیلکی نام‌آوای سه‌هجایی «ایشکن» به کار می‌رود.

۴-۲-۲. تحلیل معنایی و کاربردشناختی

نگاهی به داده‌ها نشان می‌دهد که حدود نیمی از نام‌آواهای گیلکی، گویش رشتی، مشابه با معادل فارسی آن‌ها است که می‌تواند ناشی از ارتباط زیاد این دو زبان و قرض‌گیری زبان گیلکی از فارسی باشد. در مواردی، تفاوت‌هایی آوایی میان نام‌آواهای دو زبان مشاهده می‌شود؛ مانند «شلخ شلوخ» (گیلکی) و «شلپ شلوپ» (فارسی). همچنین مشابهت‌های فراوانی در استفاده از یک واج مشخص برای یک مفهوم وجود دارد که تأییدی بر نمادپردازی‌های آوایی برخی واج‌ها و همچنین طبیعی بودن رابطه لفظ و معنا در نام‌آواها است. برای نمونه می‌توان به استفاده از واج «ز» (نماد تیزی صدا) در

«جزه وزه» و «جلز ولز» به ترتیب در گیلکی و فارسی و همچنین واج «س» (نماد صغیر) در «سیوی» و «سوت» با همان ترتیب اشاره کرد.

اما تفاوت‌هایی نیز در میان نام‌آوهای زبان گیلکی و فارسی مشاهده شد. گیلکی شامل نام‌آو‌هایی است که در فارسی وجود ندارد. این موارد اکثراً به تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی این دو مرتبط است؛ برای مثال، در زبان گیلکی نام‌آو‌های خواندن یا راندن حیوانات و پرندگان خاص به دلیل ارتباطی که سخنگویان گیلکی با آن‌ها دارند، ساخته شده است یا نام‌آوای «ژه ژه» (صدای بریده شدن ساقه‌های برنج) به شغل تعداد زیادی از این سخن‌گویان برمی‌گردد. تفاوت دیگری که میان نام‌آو‌های این دو زبان مشاهده می‌شود، ازدیاد و همچنین تفکیک جزئی‌تری از برخی صداها در گیلکی است که در فارسی برای آن‌ها تنها از یک نام‌آوا استفاده می‌شود. برخی از این‌ها با تفاوت فرهنگی، قابل تبیین است؛ مانند انواع صدای مرغ در وضعیت‌های مختلف که در گیلکی شش نام‌آوا و در فارسی تنها یک نام‌آوا دارد.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به توصیف نظام ساختی نام‌آو‌های زبان گیلکی و مقایسه ساختاری و معنایی آن‌ها با نام‌آو‌های زبان فارسی پرداختیم. نام‌آو‌های گیلکی از چهار منبع استخراج شده و ساختمان آن‌ها به تفصیل و بر اساس ساخت هجایی و ساختاری‌شان توصیف گردیدند و در سه دسته اصلی نام‌آو‌های ساده، دوگان‌سازی کامل، دوگان‌سازی ناقص و دو دسته فرعی دوگان‌سازی گسسته و دوباردوگان‌سازی کامل جای گرفتند. در نتیجه می‌توان گفت ساخت نام‌آوا در زبان گیلکی، گویش رشتی، همچون ساخت آن در زبان فارسی است. می‌توان با بررسی گویش‌های همجوار گویش رشتی و همچنین سایر گویش‌های زبان گیلکی این دسته‌بندی را برای زبان گیلکی آزمود و به بررسی شباهت یا تفاوت ساختی آن‌ها نیز پرداخت.

همچنین در مقایسه معنایی نام‌آو‌های گیلکی و فارسی نشان دادیم که گیلکی در درجه اول دارای نام‌آو‌هایی است که ناشی از وجود برخی حیوانات، پرندگان، اشیا و مشاغلی است که در میان فارسی‌زبانان رایج نبوده و به تبع آن نام‌آوایی نیز برای آن‌ها ساخته نشده است. همچنین از طرفی، سخن‌گویان زبان گیلکی از نام‌آو‌های بیشتری در توصیف صدهای اطراف خود بهره می‌گیرند؛ به طوری که در برخی موارد برای صدایی که در فارسی یک نام‌آوا دارد، با در نظر گرفتن بافت‌های مختلف برای آن، چندین نام‌آوا را به کار می‌برند. در اینجا نیز، بیشتر موارد با شرایط فرهنگی و جغرافیایی سخنگویان آن مرتبط است.

منابع

کتاب‌ها

- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، ج ۲، تهران، فاطمی.
- بخش‌زاد محمودی، جعفر، (۱۳۹۰)، دستور زبان گیلکی: صرف و نحو و آیین نگارش، رشت، گیلکان.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر، (۱۳۶۹)، ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی، رشت، گیلکان.
- فاضل، نوید، (۱۳۹۲)، دستور زبان پارسی، تهران، آگه.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۳۹)، دستورنامه در صرف و نحو پارسی، تهران، موسسه مطبوعاتی شرق.
- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۵)، فرهنگ نام‌آواها در زبان فارسی، مشهد، دانشگاه فردوسی.

پایان‌نامه‌ها

- ساسلی، عزیز، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی نام‌آواهای زبان فارسی و کُردی سورانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی، تهران، دانشگاه پیام‌نور.

مجلات

- استاجی، اعظم، (۱۳۸۰)، «بررسی ساخت‌وازی پسوندی نام‌آوایی «-است» در گویش‌های خراسان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲، صص ۲۸۹ - ۲۹۸.
- امام‌زاده، احمد و مجدم، محمدحسین، (۱۳۸۳)، «بررسی ساختاری و معنایی نام‌آواها و کلمات اتباعی در گویش شوشتری»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، ج ۱، بنیاد ایران‌شناسی، صص ۹۵ - ۱۱۰.
- حاتمی، حسن، (۱۳۸۰)، «پسوندی نام‌آواساز»، نامه فرهنگستان، ش ۱۸، صص ۸۴ - ۸۶.
- داوری اردکانی، نگار و مغانی، حسین، (۱۳۹۴)، «تحلیل نام‌آواهای رایج در گویش دشتستانی: رویکردی ساختاری و معنایی»، زبان‌پژوهی، ش ۱۵، صص ۸۳ - ۱۰۵.

- مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۴)، «پسوندی نام‌آواساز در گونه‌های فارسی خراسانی»، نامه فرهنگستان، ش ۲، صص ۶۸-۷۳.
- محمدی، علی و نقشبندی، عبدالستار، (۱۳۹۴)، «تحلیل و بررسی نام‌آواها در زبان کُردی و پژوهشی در مصداق‌های کُردی و فارسی آن»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ش ۹، صص ۲۴۳-۲۵۶.
- نشاط، محمود، (۱۳۵۶)، «اسم صوت و کاربرد آن در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۹۷ و ۹۸، صص ۲۸۳-۲۹۸.
- نیکویخت، ناصر، (۱۳۸۳)، «صوت‌آواها و نظریه منشأ زبان»، پژوهش‌های ادبی، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۳۲.
- وفایی، عباس‌علی و مستعلی پارسا، غلامرضا و دادرس، مهدی، (۱۳۹۴)، «نگاهی دوباره به پسوند نام‌آواساز /-ast/ در فارسی دری». جستارهای زبانی، ش ۲۳، صص ۱۹۷-۲۴۱.